

بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان

محمد جعفر جوادی ارجمند*

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

حبیب رضازاده

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

سعیده حضرت‌پور

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۹/۲۵)

چکیده

این نوشتار به دنبال فهم علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان است. نویسندگان در این نوشتار معتقدند که با وجود اشتراک‌های فراوان بین ایران و جمهوری آذربایجان در زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، قومی و مذهبی روابط این دو کشور مناسب نبوده است. فرضیه این نوشتار این است که به دلیل تأثیرگذاری شش عنصر داخلی و خارجی - پدیده قوم‌گرایی، فعالیت‌های دینی ایران در جمهوری آذربایجان، بحران قره‌باغ و رابطه ایران با ارمنستان، اختلاف نظر در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، نقش و نفوذ ترکیه، نفوذ اسرائیل در منطقه و روابط آن با جمهوری آذربایجان و سیاست‌ها و هدف‌های آمریکا در منطقه در روابط دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان منجر به سردی روابط دو کشور شده است.

کلید واژه‌ها

آمریکا، ارمنستان، اسرائیل، پان‌ترکیسم، ترکیه، رژیم حقوقی دریای خزر، فعالیت دینی ایران.

مقدمه

جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ استقلال یافت.^۱ آذری‌ها با اکثریت ۹۰ درصد و زبان ترکی، مذهب شیعه و احساسات شدید میهن‌پرستی جمعیت جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهند (Belfercenter, 2001). بر اساس برآورد شرکت‌های نفتی بین‌المللی، میزان منابع اثبات شده نفت در جمهوری آذربایجان بالغ بر ۷ میلیارد بشکه و گاز طبیعی در حدود ۸۵ تریلیون متر مکعب است (BP, 2008, p.73). روابط ایران با این جمهوری در پی انتخاب «ابوالفضل ایلچی‌بیگ» به ریاست جمهوری، به سردی گرایید. زیرا لحن ایلچی‌بیگ بسیار ملی‌گرایانه و نسبت به ایران خصمانه بود (Abedin, 2004). البته روابط میان آنها هیچ زمانی دوستانه نبوده و با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. چالش اصلی، نگرش امنیتی دو کشور به یکدیگر است (نصیرزاد و حسینی، ۱۳۹۱، ص.۱۱۶). این واقعیت به این پرسش منجر می‌شود که چه عواملی در جلوگیری از برقراری روابط دوستانه بین ایران و جمهوری آذربایجان مؤثر بوده است؟ نویسندگان معتقدند که تأثیرگذاری شش عامل داخلی و خارجی سبب سردی روابط دو کشور ایران و آذربایجان شده است و موجب شده‌اند تا این دو کشور، همسایگانی دور از هم باقی بمانند. این عوامل عبارتند از: ۱. قوم‌گرایی و فعالیت‌های دینی ایران در جمهوری آذربایجان، ۲. بحران قره‌باغ و رابطه ایران با ارمنستان، ۳. اختلاف نظر در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، ۴. نقش و نفوذ ترکیه، ۵. نفوذ اسرائیل در منطقه و روابط آن با آذربایجان، ۶. سیاست‌ها و هدف‌های آمریکا (عطایی، ۱۳۹۱، ص.۱۲۰). اکنون به بررسی نقش هر یک از عوامل برشمرده در روابط بین دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان می‌پردازیم.

قوم‌گرایی و تأثیر آن بر روابط ایران و جمهوری آذربایجان

در بررسی روابط دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان توجه به مفهوم پان‌ترکیسم ضروری است. وجود گرایش‌های پان‌ترکیسم به‌ویژه در جمهوری آذربایجان عاملی بازدارنده و منفی در روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان بوده و به‌گونه‌ای عمل کرده است که روابط ایران و جمهوری آذربایجان با آن سابقه مشترک تاریخی، سرزمینی، فرهنگی و مذهبی تحت تأثیر این مسئله، دوستانه نبوده است (کولایی، ۱۳۸۹، «۱»). بنابر این مفهوم، ساکنان کنونی مناطق آذربایجان

۱. البته در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۸ نیز استقلال داشته است و سپس به اتحاد شوروی پیوست.

ایران، همچون ساکنان قدیمی آن ترک هستند (Nassibu, 2012, pp.3-5) و ایران به نادیده گرفتن حقوق آذری‌های ساکن ایران متهم می‌شود. لازم به ذکر است که در این باور، آذربایجان جنوبی [مناطق آذری‌نشین ایران] شامل استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، زنجان، همدان و قسمت‌هایی از آستارا و قزوین است (Gunaskam, 2012).

برای فهم بهتر تأثیرگذاری قوم‌گرایی بر روابط دو کشور، باید اشاره کرد که در گذشته جمهوری آذربایجان و ایران یک دولت به مرکزیت تهران بودند. اما در پی دو جنگ ناموفق در سال‌های ۱۸۰۴ و ۱۸۱۳ حکومت ایران بخش‌هایی از خاک خود را از دست داد و از آن به بعد آذربایجان به اجبار به دو بخش مختلف تقسیم شد. در واقع آذربایجانی‌های ایران و جمهوری آذربایجان از یک نژاد بوده‌اند (Devlet, 2012). در سال ۱۹۱۷ انقلاب کبیر روسیه روی داد و از آثار آن پیدایش نوعی آزادی برای ولایات منطقه قفقاز بود که می‌توانستند از حکومت مرکزی جدا شده و برای خود حکومت‌های مستقلی تشکیل دهند. حزب مساوات که در سال ۱۹۱۱ در باکو تأسیس شده بود در این ایام مورد حمایت ترک‌های عثمانی قرار گرفت، این حزب که از سیاست پان‌ترکیست‌ها پیروی می‌کرد و طرفدار وحدت همه ترک‌ان جهان در ملتی واحد بود در ژوئن ۱۹۱۸ استقلال بخشی از قفقاز را با عنوان جمهوری آذربایجان اعلام کرد. از همان زمان دولت ایران نسبت به نام این کشور اعتراض کرد. استدلال آنها این بود که این دولت به‌زودی در پی نفوذ در آذربایجان ایران برخواهد آمد. پیرو این بحث‌ها محمد امین رسول‌زاده از مؤسسان جمهوری آذربایجان در مقاله‌ای می‌نویسد: «... آذربایجان جنوبی از تأسیس جامعه‌شان بر اساس ترکیسم و یا آدریسم استقبال می‌کند» (Nassibu, 2012, p.6).

روابط ایران و جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ با تأکید بر ادعاهای قوم‌گرایانه آذربایجان

دوره ایاز مطلب‌اف: هرچند سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در دوران حکومت وی بسیار ضعیف بود، وی خواستار گسترش روابط ایران و جمهوری آذربایجان و حضور ایران در میانجیگری منازعه قره‌باغ بود. در همین زمان توافق‌نامه‌ای تجاری بین دو کشور امضا شد و قرار شد که منطقه نخجوان نیز در آینده‌ای نزدیک به‌عنوان منطقه آزاد تجاری شناخته شود (Nassibu, 2012, p.14).

دوره ایلچی بیگ: ایلچی بیگ همواره به مناطق آذری نشین ایران چشم داشت. او اعلام کرد که تمامیت ارضی ایران را به رسمیت نمی شناسد (Abedin, 2004). وی به صراحت از آزادسازی آذربایجان جنوبی [مناطق آذری نشین ایران] حرف می زد (Gresh, 2006, p.4) و وظیفه خود را مبارزه با روسیه و ایران - برای مدت ها حقوق آذربایجانی ها را پایمال کرده بودند- اعلام کرده بود. او از کم توجهی حکومت ایران نسبت به حقوق ملیت های غیر ایرانی ساکن ایران، به ویژه ممنوعیت آنها از تدریس به زبان مادری شان در مدرسه های ایران انتقاد کرد (Ismailzade, 2012, p.5). در دوران حکومت وی صدها کتاب و مقاله با هدف تحریف هدفمند تاریخ آذربایجان چاپ شدند و رسانه های جمهوری آذربایجان نیز با هدف تحریک حس کینه توزی آذربایجانی ها بر ضد ایران از وضع نامناسب و ضد بشری آذری های ایران سخن می گفتند. این عوامل به صورت مستقیم با تهدید تمامیت ارضی و امنیت ایران از سوی جمهوری آذربایجان بر روابط دو کشور تأثیر گذاشت، به گونه ای که ایران در مناقشه قره باغ از جمهوری آذربایجان شیعه در برابر ارمنستان مسیحی حمایت نکرد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۳).

دوره ریاست علی اف ها: حیدر علی اف در ابتدای ریاست جمهوری اش، در ارتباط با بحث های مربوط به آذربایجان واحد و تجزیه استان های آذری ایران گفت: ادعاهای مربوط به پیوستن مناطق آذری دو سوی رود ارس به همدیگر و ایجاد آذربایجان متحد یک ایده واهی و غیراصولی است (Allutt, 2002). اما بعد از گذشت مدت زمان کوتاهی، در طرح روی جلد کتاب سال پنجم مدرسه های ابتدایی جمهوری آذربایجان، استان های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، همدان، زنجان، قزوین و گیلان با نام جمهوری آذربایجان و به همراه پرچم این کشور چاپ شد (کولایی، ۱۳۸۹ «۲»، ص. ۹۱). خلف اف، وزیر خارجه وقت جمهوری آذربایجان اعلام کرده بود که او نه تنها وزیر خارجه آذربایجان بلکه وزیر خارجه تمام آذربایجانی ها از جمله آذری های ایران است (آذربایجان نیوز، ۱۳۸۸). همچنین در اقدامی نامتعارف الهام علی اف با شبکه «گوی - آذر - تی وی» گفته است: «از جمله اقدام های بنده در زمان ریاست جمهوری، تشکیل دولت واحد آذربایجان با همکاری کشورهای ترک زبان از جمله کشورهای همسایه است». در یک اقدام جنجال برانگیز دیگر، آکادمی علوم جمهوری آذربایجان اطلسی را منتشر کرد که در آن بخش هایی از ایران جزئی از خاک جمهوری آذربایجان معرفی شده بود (Gilles, 2008, pp.45-48). در واقع جمهوری آذربایجان از راه تمرکز یافتن بر اتحاد آنچه تبلیغات رسمی جمهوری آذربایجان، «آذربایجان شمالی و جنوبی» می خواند؛ تلاش می کند تا

با تحریک آذری‌های ایران، از آنها به‌عنوان اهرم فشاری علیه ایران استفاده کند. از آنجا که ایدئولوژی پان‌ترکیسم جنبه‌های پیوست گرایانه و ضد ایرانی دارد، ایران به هرگونه ایده پان‌ترکیستی و پان‌آذریستی در منطقه حساس بوده و به‌شدت با آن مخالف است (احمدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵). مقام‌های ایران نگران ملی‌گرایی اقلیت بزرگ آذربایجانی‌هایی هستند که در مناطق شمال غربی ایران ساکن هستند (Nuriyev, 2012).

فعالیت مذهبی ایران در جمهوری آذربایجان

رهبران ایران در روابطشان با جمهوری آذربایجان به‌صورت آشکاری بر اسلام و مذهب تأکید دارند. بعد از استقلال جمهوری آذربایجان، بسیار ادعا می‌شد که ایران تلاش کرده تا انقلاب اسلامی خود را به این کشور صادر کند (Murinson, 2010) و تاکنون برای این هدف خود در جمهوری آذربایجان میلیون‌ها دلار هزینه کرده است (Belfercenter, 2012). ایران برای تبلیغات مذهبی در جمهوری آذربایجان، از روحانی‌هایی که در ایران آموزش دیده‌اند بهره می‌گیرد (Cornell, 2006, pp.42- 43). جمهوری آذربایجان که خود را یک نظام غیردینی می‌داند؛ تبلیغات و فعالیت‌های ایران بر روی شیعیان آذربایجان را تهدیدی برای حاکمیت خود به‌حساب می‌آورد و هرچند وقت یکبار نارضایتی خود را نشان می‌دهد (بهشتی پور، ۱۳۹۱).

مثال‌های فراوانی از تلاش ایران برای نفوذ در آذربایجان وجود دارد. برای نمونه روزنامه صدای اسلام که در جمهوری آذربایجان چاپ و توزیع می‌شود، توسط ایران حمایت می‌شود و یا شبکه سحر که برای مناطق تالش‌نشین جمهوری آذربایجان برنامه دارد. این شبکه در مناطق تالش از نزدیکی زیاد آنان با ایران صحبت می‌کند. برنامه‌های تلویزیونی ایران که در آذربایجان نیز قابل دریافت است، سرشار از ارزش‌های دینی- ایرانی هستند (Nassibu, 2012, p.17). دولت ایران افزون بر شبکه تلویزیونی سحر، شبکه سحر ۲ را نیز به راه انداخته است که به زبان انگلیسی و روسی در آذربایجان فعالیت می‌کند. مخالفان فعالیت این شبکه می‌گویند که به‌تازگی این شبکه فقط برنامه‌های روحانیون [مذهبی] را پخش می‌کند. در این شبکه پوشش حجاب برای زنان تبلیغ می‌شود (Kotecha, 2006, p.26.29).

از موارد دیگری که به تنش بین دو کشور منجر شده است، متهم کردن ایران به حمایت از گروه‌های اسلامی تندرو در جمهوری آذربایجان است. البته گروه‌های اسلامی افراطی از طرف کشورهای عربستان، کویت، ایران و قفقاز شمالی حمایت می‌شوند (Goble, 2012). جمهوری

آذربایجان معتقد است، دولت ایران از حزب اسلامی آذربایجان که در سال ۱۹۹۶ غیرقانونی اعلام شد (Yunus, 2006, p.1) و از حلقه‌های مخفی حزب‌الله و جیش‌الله آذربایجان حمایت می‌کند. حزب‌الله و جیش‌الله جریان‌های مخفی هستند که در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ در جمهوری آذربایجان تأسیس شدند. هدف آنها حمله علیه منافع غرب از جمله آمریکا در باکو و جمهوری آذربایجان بود (Murinson, 2010). مقام‌های باکو بیان می‌کنند که فعالیت این حزب از ۱۹۹۶ ممنوع است، ولی اعضای آن همچنان به دریافت کمک‌های مالی از جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهند (Soleymani, 2011).

شیوه دیگر نفوذ ایران در جمهوری آذربایجان به‌وسیله مدرسه‌های دینی است. در این مدرسه‌ها قرآن خوانده می‌شود و همچنین ادبیات و ایدئولوژی دولت ایران تدریس می‌شود (Geybullayeva, 2012, p.116). البته در اواخر دهه ۱۹۹۰ حیدر علی‌اف فعالیت روحانیون ایرانی را در مساجد ممنوع کرد (Cornell, 2006, p.43). همچنین در سال ۲۰۰۱ دولت آذربایجان ۲۲ مدرسه دینی که توسط ایران حمایت می‌شدند را تعطیل کرد (Europe Report, 2012, p.8). الهام علی‌اف نیز در سخنرانی‌ای گفت: «ما به رهبران دینی ایران می‌گوییم که تلاش برای نفوذ مذهبی در آذربایجان را رها کنند» (Goble, 2012, p.114). روابط ایران و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۲ به شدت تنش‌آمیز بوده است. دلیل آن برگزاری مسابقه یورو ویژن است. اختلاف و درگیری‌های لفظی بین ایران و جمهوری آذربایجان بر سر مسابقه موسیقی یوروویژن ۲۰۱۲ که در باکو برگزار شد، به حدی بالا گرفت که مقام‌های روحانی و سیاسی ایران برگزاری این مسابقه را مخالف اسلام دانستند (آذربایجان نیوز، ۱۳۹۱). در پی این مشاجره‌های لفظی نخست وزیر آذربایجان نیز در اعتراض به سخنان مقام‌های ایرانی گفت: «رژیم ملاها در ایران قصد شکل‌دهی و دخالت در سیاست‌های ما را دارد» (Mohammadi, 2012).

نقش بحران قره‌باغ در روابط ایران و جمهوری آذربایجان

ارمنستان از زمان استقلال به دلیل اینکه از طرف ترکیه و جمهوری آذربایجان و حتی گرجستان در محاصره بود، نگاه خاصی به رابطه با ایران داشت. البته شرایط نامناسب اقتصادی بعد از استقلال نیز، نیاز ارمنستان به ایران را تشدید می‌کرد. پیرو همین نیاز وزیر خارجه ایران در اسفند ۱۳۷۰ در سفری به جمهوری آذربایجان و ارمنستان زمینه‌های میانجیگری ایران را در

درگیری قره‌باغ فراهم کرد. در اردیبهشت ۱۳۷۱ در تهران با حضور «لئون ترپتروسیان» رئیس جمهور ارمنستان و «یعقوب محمداغ» کفیل ریاست جمهوری آذربایجان با میانجیگری «هاشمی رفسنجانی»، رئیس جمهور وقت ایران موافقت‌نامه‌ای درباره آتش‌بس در منطقه قره‌باغ به امضا رسید و آتش‌بس موقتی نیز صورت گرفت. ولی در همین ایام نیروهای ارمنی با استفاده از فرصت پیش‌آمده تهاجم گسترده‌ای را شروع و بخش‌هایی از خاک جمهوری آذربایجان را اشغال کردند. مخالفان دولت وقت باکو، ایران را در اشغال شوشا از مراکز منطقه قره‌باغ، مقصر دانستند. البته ایران خواستار برقراری یک صلح پایدار در منطقه بود. زیرا ادامه درگیری و جنگ قره‌باغ زمینه مداخله نظامی روسیه، آمریکا و ناتو را فراهم می‌کرد که این امر امنیت ملی ایران را به خطر می‌اندازد (Martirosyan, 2009, p.2).

روابط ایران با ارمنستان و تأثیر آن بر روابط ایران با جمهوری آذربایجان

ایران، برای ارمنستان نقش اقتصادی تعیین کننده‌ای دارد (Varun & Fitzgerald & Fite, 2012, p.25). در اوایل سال ۱۹۹۲ ایران به ارمنستان گاز و سوخت صادر می‌کرد و همین امر سبب ایستادگی ارمنستان مقابل جمهوری آذربایجان می‌شد (Cagaptay & Murinson, 2005). به دنبال همین روابط، حیدرعلی‌اف در دیدار با یحیی محمدزاده، استاندار آذربایجان شرقی در ۱۲ اوت ۱۹۹۹ گفت: «... سالیان سال است که به وجود روابط تنگاتنگ اقتصادی ایران و ارمنستان اشاره می‌شود... به صراحت می‌گوییم که روابط اقتصادی تا این حد با کشوری که ۲۰ درصد سرزمین‌های ما را اشغال کرده ما را رنجیده‌خاطر می‌کند» (بیات، ۱۳۸۳، ص. ۱۷). در ادامه روابط ایران و ارمنستان، دو کشور در سال ۲۰۰۷ یک قرارداد مبنی بر ساخت یک خط لوله انتقال نفت به شهر مرزی «مگری» ارمنستان امضا کردند (Tehran Times, 2009). آنها همچنین قراردادی در مورد ساخت خط آهنی به طول ۴۷۰ کیلومتر که دو کشور را به دریای سیاه متصل می‌کند به ارزش ۲ میلیارد دلار امضا کردند که در طول پنج سال آماده می‌شود (Press TV, 2009) در ۱۹ مارس ۲۰۰۷، محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران به دعوت روبرت کوچاریان رئیس جمهوری ارمنستان جهت افتتاح خط لوله انتقال گاز ایران به ارمنستان شرکت کرد. حجم تجارت ایران و ارمنستان در سال ۲۰۱۰ در حدود ۲۵۰ میلیون دلار بوده است که شامل مواد غذایی، سوخت و مواد شیمیایی است (Varun & Fitzgerald & Fite, 2012, pp.23-26).

در همین ارتباط معاون وزارت خارجه جمهوری آذربایجان با انتقاد از موضع ایران، خواستار تغییر در روابط آن با ارمنستان شد (کولایی، ۱۳۸۹ «۲»، ص. ۸۹). حتی رهبران جمهوری آذربایجان در ابتدای شکست در جبهه‌های قره‌باغ ناکامی‌های خود را متأثر از کمک ایران به ارامنه ارزیابی کرده و کلیه شکست‌های خود را به کمک‌های تسلیحاتی-نظامی و اقتصادی ایران به ارامنه و میانجیگری ایران در جنگ قره‌باغ نسبت دادند. در واقع مقام‌های جمهوری آذربایجان به دلیل روابط روبه رشد ایران و ارمنستان از مواضع ایران در این زمینه رضایت ندارند. حتی حیدر علی‌اف در مورد حمایت ضمنی ایران از ارمنستان در حل بحران قره‌باغ ابراز ناامیدی کرده بود (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱، ص. ۸۷).

نقش ترکیه در سردی روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان

اولویت ترکیه در قفقاز بیش از همه، جمهوری آذربایجان است (کولایی، ۱۳۸۹ «۳»، ص. ۱۴۴). ترکیه به دلیل اشتراک‌های قومی و فرهنگی با شعار اتحاد ترک‌ها، وارد جمهوری آذربایجان شد. ترکیه به عنوان تنها حامی منطقه‌ای این نوع نگرش در جهت اجرا و گسترش ایده اتحاد ترک‌ها از جمهوری آذربایجان حمایت کرده است و بدین ترتیب این کشور نقشی مخالف منافع ایران در قفقاز و جمهوری آذربایجان ایفا می‌کند. تلاش‌های ترکیه برای ایجاد اتحاد کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی و قفقاز با آنکارا در گردهمایی‌های سیاسی رهبران این کشورها که از سال ۱۹۹۲ به بعد برگزار می‌شود، جلوه‌گر شده است (احمدی، ۱۳۸۸، ص. ۷). برای نمونه در نشست ۱۹-۱۷ نوامبر ۲۰۰۷ در باکو که رجب طیب اردوغان نیز در آن شرکت داشت و خواستار ایجاد اتحادیه‌ای از کشورهای ترک‌زبان به عنوان ابزار اولیه هماهنگی این کشورها در سیاست خارجی‌شان شد. وی با تأکید بر هماهنگی و همبستگی کشورهای ترک گفت: «اگر ما با هم همکاری نکنیم آنها ما را از هم خواهند گسست» (Today Zaman, 2007). همچنین نشست دوم رؤسای پارلمان‌های کشورهای ترک‌زبان در سپتامبر ۲۰۰۹ در باکو برگزار شد (Anirova, 2009). در ارتباط با نزدیکی این دو کشور می‌توان به سخنان «مرتضی الکروف» رییس مجلس جمهوری آذربایجان اشاره کرد که بیان می‌کند «آذربایجان ترکیه را الگو و برادر واقعی خود می‌داند» (رسالت، ۱۳۷۶).

ترکیه در کنار ترویج اتحاد ترک‌ها به ترویج حکومت غیردینی در منطقه که در چارچوب اروپایی قرار دارد، می‌پردازد. با توجه به جدایی دین از سیاست در این مدل، حکومتی که در

تضاد با مدل حکومتی ایران است، مدل مطلوبی برای رهبران نگران از گرایش‌های دینی و اسلامی مردم در منطقه است. البته برنامه‌های ترکیه جهت گسترش نفوذ در منطقه با حمایت همه‌جانبه غرب نیز همراه است. به‌ویژه آمریکا اعتقاد دارد که سیاست ترکیه در منطقه در عمل می‌تواند از تمایل‌های اسلام‌گرایی و طرفدار ایران جلوگیری کند (چیچک، ۱۳۷۳، ص. ۱۴۹).

در زمینه انتقال نفت نیز سیاست‌های ترکیه در تقابل با ایران قرار دارد و با حمایت آمریکا موفقیت بیشتری نسبت به ایران در جمهوری آذربایجان و منطقه قفقاز کسب کرده است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی خطر کمونیسم جای خود را به خطر اسلام‌گرایی و گسترش بنیادگرایی اسلامی داد. رهبران جمهوری آذربایجان به تحریک ترکیه، ایران را مرکز صدور بنیادگرایی اسلامی می‌دانستند. در مقابل این خطر، آمریکا از ترکیه به‌عنوان رقیب مدل حکومتی ایران در جمهوری آذربایجان و منطقه سود برد. این موضوع یکی دیگر از زمینه‌های رقابت ایران و ترکیه را در جمهوری آذربایجان شکل می‌دهد. همچنین در درگیری قره‌باغ ترکیه به‌دلیل دینی و قومی و مشکل‌هایی که با ارمنستان دارد به حمایت از جمهوری آذربایجان پرداخت. در زمان جنگ قره‌باغ، اسرائیل و ترکیه از جمهوری آذربایجان، حمایت راهبردی کردند. به گزارش هفته‌نامه انگلیسی زبان الواسط این دو کشور به جمهوری آذربایجان موشک‌های استینگر داده‌اند (Aras, 1998, pp.73-74).

هم‌زمان ترکیه با استفاده از کمک‌های مالی و نظامی آمریکا در منطقه مانع نقش‌آفرینی ایران و روسیه در مسایل امنیتی و طرح‌های اقتصادی قفقاز شده است. حتی در راستای هدف‌ها و منافع آمریکا و اسرائیل در همکاری‌های ایران، ارمنستان، روسیه و یونان اختلال ایجاد می‌کند. بستن قرارداد ترابوزان با شرکت ترکیه، جمهوری آذربایجان و گرجستان در راستای اجرای مدل امنیتی ۳+۳+۱ و پایان دادن به نفوذ روسیه و تضعیف نقش ایران در منطقه قفقاز است. با بررسی نوع تعاملات ترکیه در منطقه قفقاز می‌توان گفت که نفوذ اقتصادی ترکیه با توجه به هدف‌ها و منافع این کشور نوعی رقابت با ایران را سبب می‌شود. در واقع از زمان فروپاشی اتحاد شوروی این دو کشور افزون بر حفظ برخی از روابط در زمینه‌های اقتصادی در منطقه به جدی‌ترین رقابتی یکدیگر تبدیل شده‌اند (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۳، ص. ۲۸۶-۲۸۵). در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۲ توافق‌نامه‌ای به ارزش ۷ میلیارد منات در ارتباط با خط لوله انتقال گاز تی ای ان ای پی^۱ توسط رجب طیب اردوغان و الهام علی اف امضا شد. تی ای ان ای پی به‌عنوان

بخشی از طرح شاه دنیز ۲ برای انتقال گاز است. در هنگام امضای این قرارداد رهبران هر دو کشور این نوع همکاری را نشانه روح برادری حاکم بر روابط دو کشور دانسته و حتی اردوغان می‌گوید که «ترکیه و آذربایجان یک ملت در دو دولت هستند» (News.az, 2012). از دیگر مسائل مهم در تأثیرگذاری ترکیه در روابط ایران و جمهوری آذربایجان، می‌توان به حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان در مورد رژیم حقوقی دریای خزر اشاره کرد که همواره از مواضع جمهوری آذربایجان که منافع و تمامیت ارضی ایران را تهدید می‌کند، حمایت کرده و از شکل گرفتن یک توافق پایدار بر سر رژیم حقوقی دریای خزر جلوگیری می‌کند (زرگری، ۱۳۸۷، ص. ۸۰).

رژیم حقوقی دریای خزر و تأثیر آن بر سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان

دریای خزر تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی به‌عنوان «آب داخلی» محصور بین ایران و اتحاد شوروی، بر اساس پیمان‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به‌شکل مشترک اداره می‌شده و هیچ خط مرزی بین ایران و اتحاد شوروی وجود نداشته است. همین موضوع سبب بروز مشکل‌هایی در روابط جمهوری‌های بازمانده از اتحاد شوروی، به‌ویژه جمهوری آذربایجان در مورد مرزهای دریایی با ایران شده است (Afrasiabi, 2009). باید توجه داشت که اختلاف ایران و جمهوری آذربایجان به‌دنبال ادعای جمهوری آذربایجان در مورد مرز دریایی دو کشور، مهم‌ترین دلیل نبود تعیین رژیم حقوقی دریای خزر است. البته ورود قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، سبب پیچیده شدن این موضوع شده است (Bayulgen, 2009, p.54).

مواضع و اقدام‌های ایران

نخستین کوشش ایران در راستای مشخص کردن رژیم حقوقی دریای خزر فراخواندن کشورهای کنار دریا برای شرکت در نشست تهران (بهمن ۱۳۷۰) بود. در این نشست ایران طرح تشکیل سازمان همکای کشورهای کناره دریای خزر را پیشنهاد کرد که با موافقت اصولی دیگران رو به‌رو شد. افزون بر این، ایران اعلام کرد که این کشورها بر پایه بیانیه مشترکی که در سال ۱۹۹۶ در عشق‌آباد منتشر کرده‌اند، ملزم به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر همراه با دیگر کشورهای کرانه‌ای هستند و هرگونه اقدامی بی‌توافق پنج کشور کرانه‌ای پذیرفته نخواهند

شد. ایران آمادگی خود را برای رسیدن به یک تفاهم‌نامه همه جانبه بر سر رژیم حقوقی دریای خزر اعلام کرد و لزوم توافق آرا برای تعیین رژیم حقوقی و اصل برابری حقوقی کشورهای کرانه‌ای در همه زمینه‌ها را عنوان کرد. این مواضع در سخنان رییس جمهوری ایران در نشست عشق‌آباد در سال ۱۳۸۱ نیز تکرار شد. بدین ترتیب در دیدگاه ایران، رژیم حقوقی دریای خزر تا زمان اصلاح یا تغییر، همچنان پیمان‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ است که مخالف با هر اقدام یک‌جانبه‌گرایانه است (زرگری، ۱۳۸۷، ص. ۷۵-۷۶).

مواضع و اقدام‌های جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد شوروی اولین کشوری بود که در سال ۱۹۹۲ موضوع تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر [تقسیم دریا به بخش‌های ملی] را مطرح کرد (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱، ص. ۸۴) و با تعیین بخشی از آب‌های دریا در کرانه‌های خود به‌عنوان آب‌های ملی و بستن پیمان‌هایی با شرکت‌های خارجی برای اکتشاف نفت در این بخش، در عمل در راستای تقسیم دریا گام برداشت و پیمان‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را زیر پا گذاشت. جمهوری آذربایجان تقسیم دریا به مناطق ملی که شامل بستر و روی بستر و آب‌های سطحی نیز می‌شود را در نظر دارد و مبنای این تصمیم را تقسیمات اداری می‌داند که در زمان اتحاد شوروی بین جمهوری‌های ساحلی آن در مورد حوزه صلاحیت آنها در دریای خزر به‌وجود آمده بود.

جمهوری آذربایجان با این استدلال که نمی‌تواند توسعه کشورش را مشروط به تعیین رژیم حقوقی خزر کند و اصل مالکیت مشترک نیز با شرایط کنونی دریای خزر مطابقت ندارد؛ در سال ۱۹۹۴ با بستن قرارداد نفتی با شرکت‌های غربی شروع به بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع نفت دریای خزر کرد که با مخالفت روسیه، ایران و ترکمنستان همراه شد. در مقابل اقدام‌های یک‌جانبه جمهوری آذربایجان، وزارت نفت ایران اعلام کرد که هرگونه طرح تصویب نشده‌ای را که از سوی شرکت‌های خارجی در بخش آب‌های ایران انجام گیرد باطل می‌داند (مالی شووا، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۵). ناگفته نماند به‌دلیل مخالفت‌های جمهوری آذربایجان و قزاقستان با رژیم حقوقی مورد نظر ایران و حمایت روسیه و آمریکا از مواضع این دو کشور، ایران نیز به ناچار تغییر موضع داده و خواستار تقسیم دریا به قسمت مساوی بیست درصد برای یکایک

اعضا شده است (Koolae & Hafezian, 2010, p.401). اما جمهوری آذربایجان سهم ایران را با توجه به سواحل ایران در حدود ۱۳ درصد می‌داند (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱، ص. ۸۵).

نقش اسرائیل در روابط ایران و جمهوری آذربایجان

فروپاشی اتحاد شوروی، فرصت مناسبی در اختیار اسرائیل قرار داد تا ایجاد رابطه با کشورهای استقلال یافته از اتحاد شوروی را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دهد. در این میان جمهوری آذربایجان به دلیل همسایگی با ایران و همچنین درگیر بودن در جنگ قره‌باغ با ارمنستان و نیاز به تسلیحات و جلب حمایت آمریکا، از راه لابی یهودی، برقراری رابطه با اسرائیل را مورد توجه قرار داد. البته باید به دلایل جمهوری آذربایجان نیز در این زمینه توجه داشت، دلایلی مانند هراس از جمهوری اسلامی ایران به دلیل حمایت از ارمنستان در مناقشه قره‌باغ (Valiyev, 2009، بیات، ۱۳۸۳)، سخنان برخی از مقام‌های ایرانی در مورد بازگرداندن جمهوری آذربایجان به ایران (Nassibu, 2012)، فعالیت‌های دینی ایران در این کشور (Murinson, 2010) و شبکه‌های تلویزیونی سحر ۱ و ۲ در جمهوری آذربایجان (Kotecha, 2006 & BBC, 2011) و البته هراس جمهوری آذربایجان از حمایت دولت ایران از احزاب و جریان‌های اسلامی این کشور (Goble, 2012 & Azerireport, 2011 & Yunus, 2006)، این دلایل جمهوری آذربایجان را به داشتن روابط نظامی - امنیتی و سیاسی - اقتصادی با اسرائیل علاقه‌مند کرده است. در واقع هر دو کشور جمهوری آذربایجان و اسرائیل برای برقراری گونه‌ای از توازن در مقابل ایران به یکدیگر نزدیک شده‌اند.

علاقه و هدف‌های اسرائیل در منطقه قفقاز و جمهوری آذربایجان

۱. دستیابی به ایران و ایجاد نگرانی برای ایران: به باور بسیاری از تحلیل‌گران مسائل قفقاز، اسرائیل برای مقابله با حضور ایران در لبنان، در این منطقه و به شکل ویژه در جمهوری آذربایجان حضور پیدا کرده است. به دنبال روابط دوستانه بین اسرائیل و جمهوری آذربایجان «افرام سنه»^۱ وزیر بهداشت وقت اسرائیل گفته است که «اسرائیل در توسعه روابط با جمهوری آذربایجان منافع راهبردی دارد و جمهوری آذربایجان نیز به همین ترتیب به این رابطه

1. Efraim Sene

علاقه‌مند است. زیرا این روابط می‌تواند که بنیادگرایی اسلامی برآمده از سوی ایران را ریشه‌کن کند». در اظهار نظر دیگری «لوول بزانیس»^۱ در موافقت با این دیدگاه می‌افزاید «علاقه جمهوری آذربایجان به اسرائیل یا برعکس، از ترس متقابل آنها از ایران ریشه می‌گیرد. جمهوری آذربایجان علاقه‌مند است که با برقراری روابط با اسرائیل از سوی آمریکا مورد تحسین و تشویق قرار گیرد» (USAK, 2013).

۲. تلاش برای حضور و نفوذ بیشتر در منطقه از راه‌های مختلف: برخی از آگاهان نیز معتقدند که ممکن است اسرائیل برای جاسوسی در نزدیکی مرز ایران و دریای خزر در خاک جمهوری آذربایجان تجهیزات الکترونیکی نصب کرده باشد (CRIA, 2009). پس از وضع تحریم‌های گسترده علیه ایران و افزایش احتمال حمله اسرائیل به ایران، تل‌آویو برای به‌دست آوردن پایگاه‌هایی در مرزهای شمالی ایران در خاک جمهوری آذربایجان تلاش می‌کند (Frenkel, 2012). اسرائیل پایگاه‌های متعددی در جمهوری آذربایجان در اختیار دارد. برخی از این پایگاه‌ها در نزدیکی مرزهای ایران است. برای نمونه در پایگاه سیتالکای^۲ که در ۵۰ کیلومتری شمال باکو واقع شده است - به تازگی جزئیات آن از سوی مجله سیاست خارجی افشا شد - اسرائیل در حال نصب سیستم‌های راداری رهگیری موشک‌های بالستیک و هواپیماهای بدون سرنشین است (احمدی، ۱۳۹۱)،

۳. افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی در منطقه با هدف به‌دست‌گرفتن نبض اقتصادی منطقه و محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی ایران،

۴. ترس از دسترسی دشمنان اسرائیل در خاورمیانه به سلاح‌های هسته‌ای که از راه منطقه قفقاز قابل دستیابی است،

۵. جلوگیری از پیوستن کشورهای مسلمان منطقه به بلوک اسلامی در مقابل اسرائیل در مجامع جهانی و منطقه‌ای (اخوان مفرد، ۱۳۷۹، ص. ۳۲-۱۹). همچنان که قابل درک است اسرائیل با پیگیری این هدف‌ها، هم‌زمان با اعمال فشار بر ایران به دنبال تأثیرگذاری در روابط ایران با کشورهای منطقه قفقاز به‌ویژه جمهوری آذربایجان است. اسرائیل فعالیت‌های رسمی خود را در جمهوری آذربایجان در سه زمینه آغاز کرد:

-
1. Lowd Bezanis
 2. Sitalcay

۱. روابط دیپلماتیک جمهوری آذربایجان با اسرائیل: این موضوع در جهت کسب مشروعیت و ایجاد رابطه با این کشور برای اعمال نفوذ در منطقه در نزدیکی مرزهای ایران صورت گرفته است،

۲. روابط اقتصادی جمهوری آذربایجان با اسرائیل: قابل توجه است که اسرائیل در این زمینه اقدام‌هایی مانند خرید و اجاره زمین‌های کشاورزی به‌ویژه در نزدیک مرزهای ایران داشته است (چیچک، ۱۳۷۳، ص. ۲۸۳). اسرائیل در زمینه انتقال تکنولوژی و آموزش کشاورزی به جمهوری آذربایجان کمک می‌کند. تجارت در بخش کشاورزی بین دو کشور هم، رشد خوبی داشته است. شرکت‌های اسرائیلی مانند تاهال^۱، اربل^۲، فابرن و گاردن^۳ در بخش کشاورزی جمهوری آذربایجان مشارکت دارند (Export, 2006). جمهوری آذربایجان در حدود ۳۰ درصد از انرژی مورد نیاز اسرائیل را تأمین می‌کند (Frenkel, 2012) و بزرگترین صادرکننده نفت به اسرائیل پس از روسیه است (Murinson, 2010). حجم تجارت جمهوری آذربایجان و اسرائیل تا ژوئیه ۲۰۱۲ بالغ بر ۴ میلیارد دلار بوده است. این بالاترین حجم تجارت اسرائیل با یکی از کشورهای پیشین اتحاد شوروی است (Frenkel, 2012).

۳. روابط نظامی امنیتی جمهوری آذربایجان با اسرائیل: اسرائیل یکی از مهم‌ترین تأمین کنندگان تجهیزات نظامی جمهوری آذربایجان است (Dekmejian & Hovann, 2003, pp.125-126). آویگدور لیبرمن، وزیر امور خارجه اسرائیل در ۲۳ آوریل ۲۰۱۲ به مناسبت بیستمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری آذربایجان به این کشور سفر کرد. بر اساس گزارش رویترز لیبرمن او به خبرنگاران گفت که در دیدار با «الهام علی‌اف»، رییس جمهوری آذربایجان روابط دوجانبه و موضوع ایران را مورد گفت‌وگو قرار داده است. او اضافه کرده است: «روابط با جمهوری آذربایجان از این بهتر نمی‌تواند باشد. این روابط بر پایه اعتماد و سودمند هستند» (Sosinsky-Semikhat, 2012). پس از ورود لیبرمن به باکو، اخباری در مورد گفت‌وگو در مورد استفاده اسرائیل از فرودگاه «آذری» جمهوری آذربایجان برای حمله احتمالی به ایران گزارش شد. البته الهام علی‌اف این اخبار را تکذیب کرد (Frenkel, 2012). لازم به یادآوری است که وی در حالی این خبر را تکذیب می‌کند که آن از سوی پایگاه

1. Tahal

2. Arbel

3. Fabren Gardens

تحلیلی «سیاست خارجی» آمریکا منتشر شده بود. مجله سیاست خارجی در ۲۸ مارس ۲۰۱۲ در گزارشی به قلم مارک پری، نویسنده و تاریخ‌نگار آمریکایی نوشت که اسرائیل این اجازه را یافته است که به پایگاه‌های هوایی جمهوری آذربایجان دسترسی پیدا کند (Foreign Policy, 2012). در همین زمینه شیمون پرز در دیدار با یهودیان جمهوری آذربایجان گفت: «اسرائیل و جمهوری آذربایجان، دو کشوری هستند که باید توان نظامی خود را بالا نگه دارند. زیرا هر دو کشور در شرایط تهدید قرار دارند. من امیدوار هستم که هر دو کشور روزی به صلح و آرامش دست یابند».

حجم معاملات نظامی بین دو کشور در سال ۲۰۱۲ به رقم ۱/۶ میلیارد دلار رسید (Today's Zaman, 12012). همچنین اسناد محرمانه ویکی‌لیکس نیز که در آوریل ۲۰۱۱ منتشر شد، آشکار می‌کند که اسرائیل از خاک این جمهوری، در چهار سال گذشته علیه ایران جاسوسی کرده است (Press TV, 2012). گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل سبب شده است که در ابتدای سال ۲۰۱۲ مقام‌های ایران اعلام کنند که دولت آذربایجان به عوامل موساد اجازه می‌دهد تا در طول مرزهای ایران برای جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات اقدام کند (Sosinsky-Semikhat, 2012). مقام‌های ایرانی بارها از روابط دوستانه جمهوری آذربایجان با اسرائیل ابراز نگرانی و دولت جمهوری آذربایجان را به همکاری با جاسوسان و تروریست‌های اسرائیل متهم کرده‌اند. رسانه‌های گروهی ایران از جاسوسی اسرائیل از مسیر آذربایجان خبر می‌دهند (Vira&Erin Fitzgerald&Brandon Fite, 2012, p.23). در دیدار المار محمداف وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان از اسرائیل و گفت‌وگو با مقام‌های اسرائیلی در آوریل ۲۰۱۳، مقام‌های هر دو کشور از تهدید ایران ابراز نگرانی کرده و برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی برای هر دو کشور اعلام کردند (Segall, 2013). در پی گسترش همکاری‌های نظامی جمهوری آذربایجان با اسرائیل، در فوریه ۲۰۱۲ قراردادی به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار، برای تجهیز و ارتقای سیستم نظامی آن شامل ساخت هواپیمای بدون سرنشین و سیستم دفاع ضد موشکی امضا شد (Frenkel, 2012). همچنین جمهوری آذربایجان به کمک اسرائیل در پی تقویت حضور نظامی خود در دریای خزر است که این موضوع سبب نگرانی ایران و تنش در روابط دو کشور شده است (Kucera, 2012).

نقش آمریکا در منطقه قفقاز و تأثیر آن بر سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان

در پی تجزیه اتحاد شوروی، آمریکا تلاش کرده است تا از راه تقویت سازوکارهای اقتصادی منطقه، گسترش روند انتقال انرژی از شرق به غرب و کمک برای حل منازعات در جهت منافع ملی خود اقدام کند. البته یکی از هدف‌های آمریکا از این اقدام‌ها نیز کاهش نفوذ ایران «به دلیل تضاد منافع با آمریکا» و روسیه در منطقه و شکل‌گیری معادلات منطقه به نفع غرب است (Shaffer, 2005, p.243). آمریکا در جمهوری آذربایجان به دنبال منافع بلندمدت اقتصادی، سیاسی و امنیتی است و نیاز جمهوری آذربایجان به آمریکا این فرایند را موفق کرده است (زرگری و رضازاده، ۱۳۹۰، ص.۳۴). دشمنی و تضاد آمریکا با ایران را در منطقه می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

الف) سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۱: رفتار آمریکا در این سال‌ها بیشتر بر تهدید معرفی کردن ایران اسلامی برای منطقه، اتهام به ایران به عنوان تلاش برای دسترسی به سلاح هسته‌ای در اختیار برخی کشورهای منطقه و جلوگیری از نقش‌آفرینی ایران در حل منازعات متمرکز بود،

ب) سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۳: مرحله حرکت‌های ضد ایرانی منسجم‌تر است و آمریکا به منابع انرژی دریای خزر توجه بیشتری دارد و تلاش در انزوای ایران در سازمان اوکو و مانع‌تراشی در توسعه روابط ایران و روسیه دارد. به نوعی که روس‌ها در سال ۱۹۹۵ پذیرفتند که قرارداد فروش تسلیحات را با ایران تمدید نکنند (Freedman, 2000, p.8)،

ج) سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۷: حرکت‌های ضد ایرانی بر روی جلوگیری از فعال‌شدن صنعت نفت و گاز ایران متمرکز می‌شود که شامل جلوگیری از حمل و نقل نفت و گاز از ایران و عبور خطوط لوله از ایران است (سجادپور، ۱۳۷۷، ص.۷۹)،

د) بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون: باید گفت که با تغییر و تحولات به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر آمریکا می‌خواهد تا با بهره‌گیری از قدرت خود و شرایط ایجاد شده، با حضور مستقیم نظامی خود در این منطقه هزینه‌های حفظ امنیت منطقه را بر عهده گرفته و این مجموعه امنیتی را تابع شکل‌گیری رژیم بین‌المللی جدید کند. در واقع آمریکا با حضور نظامی خود در منطقه در کنار حضور اقتصادی و سیاسی، در پی تکمیل حلقه محاصره پیرامون ایران و حتی روسیه است تا بدین وسیله از حضور این دو کشور در ترتیبات امنیتی و اقتصادی منطقه جلوگیری کند.

اقدام‌های آمریکا در جمهوری آذربایجان در رابطه با ایران و تأثیر آنها بر روابط دو کشور

آمریکا در پی تلاش برای حضور نظامی در منطقه و همسایگی ایران است. آمریکا در تابستان ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ مانورهای نظامی مشترکی در منطقه خزر با شرکت یگان‌های نظامی آمریکا، قزاقستان، ترکمنستان، روسیه، جمهوری آذربایجان و ترکیه انجام داده است. بنا به گزارش پایگاه خبری «راشا نیوز» حتی مستشاران آمریکایی دو منطقه را، یکی در نزدیکی باکو و دیگری در جنوب این کشور و نزدیک مرز ایران برای استقرار نیروهای نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان در نظر گرفته‌اند، در واقع بخشی از پایگاه‌های نظامی آمریکایی به نزدیکی مرزهای جمهوری آذربایجان با ایران انتقال می‌یابند (رویدادهای کشورهای مستقل مشترک المنافع، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۸). آمریکا خواستار ایجاد سیستم پدافند هوایی در جمهوری آذربایجان برای جلوگیری از حمله احتمالی موشک‌های ایران است که تهدیدی علیه ایران محسوب می‌شود. از این راه آمریکا با نزدیکی بیش از حد به جمهوری آذربایجان این کشور را از ایران دور خواهد کرد. همکاری نظامی آمریکا با جمهوری آذربایجان، احتمال استفاده آمریکا از خاک، این کشور برای حمله به ایران و حساسیت ایران نسبت به روابط نظامی آنها از دیگر آثار نفوذ آمریکا در روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان بوده است (کولایی، ۱۳۸۹، ص. ۸۸). البته وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان هرگونه توافق جمهوری آذربایجان با وزارت دفاع آمریکا را برای استفاده از خاک این کشور، جهت اقدام نظامی علیه ایران را تکذیب کرد (Athanasiadis, 2006) و گزارش برخی رسانه‌ها درباره احتمال استقرار نیروهای نظامی آمریکایی در خاک جمهوری آذربایجان و نصب تجهیزات شنود در منطقه مرزی این کشور با ایران را کذب محض خواند. با این حال در پرتو ژئوپلیتیک قدرت در منطقه، به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی در پی رواج گسترده شایعه‌های مربوط به حمله آمریکا به ایران از خاک جمهوری آذربایجان، سفیر آمریکا در باکو در حمایت از جمهوری آذربایجان گفت: اگر ایران به جمهوری آذربایجان حمله کند، آمریکا برای دفاع از جمهوری آذربایجان آمادگی دارد (کولایی، ۱۳۸۹، ص. ۱).

مورد دیگر به بحث انرژی و خطوط انتقال آن در منطقه مربوط می‌شود. در نوامبر ۱۹۹۴، ایران و جمهوری آذربایجان توافق کردند که ۵ درصد از سهام کنسرسیوم بین‌المللی نفت جمهوری آذربایجان به ایران واگذار شود. این قرارداد نیز اجرایی نشد و با دخالت آمریکا بدون اطلاع ایران به شرکت‌های آمریکایی داده شد. با وجودی که جمهوری آذربایجان در ابتدای

بحث کنسرسیوم نفتی مایل به انتقال نفت دریای خزر توسط لوله و از راه ایران به خلیج فارس بود ولی با مخالفت آمریکا و روسیه روبه‌رو شد. آمریکا بنابر نظریه «همه چیز بدون ایران» خواستار عبور خطوط لوله از باکو-تفلیس-جیحان شد و خط لوله باکو-تفلیس-جیحان با همکاری آمریکا، ترکیه و جمهوری آذربایجان در رقابت با مسیر ایران ساخته و افتتاح شد (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۶) و بار دیگر آمریکا مانع نزدیکی و توافق ایران و جمهوری آذربایجان شد. آمریکا به‌شدت تلاش کرده است تا از تبدیل شدن ایران به‌عنوان یک مسیر انتقال و صدور منابع انرژی دریای خزر به اروپا و خلیج فارس جلوگیری کند. در مقابل به‌شدت از ساخت خطوط لوله انرژی‌ای حمایت می‌کند که از خاک ایران عبور نکند. در این راستا دولت آمریکا در جدیدترین موضع و اقدام ضد ایرانی با حضور و مشارکت ایران در پروژه خط لوله گاز ناباکو برای انتقال گاز حوزه خزر و خاورمیانه به اروپا مخالف است. به‌شکلی که ریچارد مورنینگ استار، نماینده آمریکا در امور انرژی اوراسیا اعلام کرد که آمریکا با حضور ایران در این پروژه مخالف است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۹). روشن است که در نظر غرب و آمریکا با ساخت خط لوله انتقال نفت از راه ایران تعرفه عبور نفت و گاز به ایران می‌رسد و ایران از منافع مادی آن بهره‌مند می‌شود. از طرف دیگر سبب وابستگی ژئوپلیتیک کشورهای حاشیه خزر به ایران می‌شود (احمدی‌پور و لشکری، ۱۳۸۹، ص. ۱۲) و این جریان مطلوب آمریکا نیست. با توجه به موضع‌گیری‌ها، سیاست‌ها و هدف‌های ایالات متحده در قفقاز که همه چیز را بدون ایران تعقیب می‌کند و همچنین با توجه به اختلاف‌هایی که دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان در برخی موضوع‌ها در منطقه دارند، حضور آمریکا به‌عنوان ابر قدرت جهانی در منطقه و همراهی جمهوری آذربایجان با سیاست‌های آن ضمن اینکه به این کشور در دسترسی به منافع بیشتر کمک می‌کند، سبب بی‌انگیزگی آن در حل مشکلاتش با ایران شده و ایران را از اولویت‌های سیاست خارجی‌اش خارج می‌کند (جوادی و رضازاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲-۱۰۱).

نتیجه

همچنان که در این نوشتار بیان شد، مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی سبب شده‌اند که روابط ایران و جمهوری آذربایجان با وجود پیوندهای فراوان تاریخی، دینی، مذهبی، مرزی و زبانی مطلوب نبوده و حتی متشنج باشد. به‌گونه‌ای که از زمان تأسیس جمهوری آذربایجان در

سال ۱۳۷۱ تاکنون کمتر دوره‌ای بوده که این همسایگان با یکدیگر تنش نداشته باشند. در بررسی فهم علت‌های این روابط متشنج، هفت عامل قوم‌گرایی، فعالیت‌های دینی ایران در جمهوری آذربایجان، بحران قره‌باغ و رابطه ایران با ارمنستان، اختلاف نظر در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، نقش و نفوذ ترکیه، نفوذ اسرائیل در منطقه و روابط آن با جمهوری آذربایجان و سرانجام سیاست‌ها و هدف‌های آمریکا در منطقه مشخص و به نقش هر یک از آنها در روابط بین دو کشور پرداخته شد. در واقع به مرور زمان این علت‌ها و عوامل به تقویت یکدیگر پرداخته و موجب پیچیدگی روابط بین دو کشور شدند؛ به گونه‌ای که ایده آذربایجان واحد، موجب حمایت ایران از ارمنستان برای جلوگیری از سقوط آن در برابر جمهوری آذربایجان شد. همین امر موجب تبلیغ بیشتر قوم‌گرایی و آذربایجان واحد از سوی جمهوری آذربایجان شد و این موضوع ایران را به بهره‌گیری از اهرم دینی و مذهبی در تعدیل رفتار دولت آذربایجان سوق داد و موجب نگرانی ترکیه و غرب از رواج اسلام‌گرایی در منطقه و در نتیجه حمایت آنها از جمهوری آذربایجان در رقابت با ایران شد. در این زمان جمهوری آذربایجان برای دست یافتن به توسعه سریع، خواستار بهره‌مندی از منابع دریای خزر است که به دلیل تعیین نشدن رژیم حقوقی آن با ایران دچار مشکلات جدی می‌شود. همچنین به دلیل نیاز به تکنولوژی جدید و ابزار جنگی برای مقابله با ارمنستان به ایجاد روابط با اسرائیل اقدام می‌کند که خود این امر دلیلی دیگر بر اختلاف این کشور و ایران شد. سرانجام اختلاف ایران و آمریکا نیز منجر به حمایت آمریکا از جمهوری آذربایجان در اختلاف‌هایش با ایران شد و خود نیز به عاملی در متشنج کردن روابط این دو کشور منجر شده است. با توجه به مطالب مورد اشاره در می‌یابیم که ایران و جمهوری آذربایجان اختلاف‌های وسیع و عمیقی با یکدیگر دارند که دائم در حال تقویت یکدیگرند و به این سادگی نیز قابل رفع نیستند.

منابع

الف) فارسی

۱. اخوان مفرد، سیاوش (۱۳۷۹)، «اسرائیل در آسیای مرکزی»، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۲۹ و ۳۰، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹، ص. ۴۰-۱۸.
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی»، **مجله مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال دوم، شماره ۵، ص. ۲۳-۱.

۳. احمدی، حسین (۱۳۹۱)، ضرورت برخورد عقلایی و توجه به اهرم فشار در روابط ایران با جمهوری آذربایجان، <http://www.iras.ir/vdcawenu.49nyu15kk4.html>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۳/۲۴.
۴. احمدی پور، زهرا و احسان لشکری (۱۳۸۹)، «چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در بهره‌برداری از منافع خود در خزر»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان، ص. ۱-۱۸.
۵. **آذربایجان نیوز**، (۱۳۸۸)، <http://azarbaycan.news.bologfa.com/post-1044.aspx> (تاریخ دسترسی: ۱۳۸۸/۶/۱۷)
۶. آشتیانی، سهراب (۱۳۸۶)، «آیا می‌توان انتظار موفقیت اکو را داشت»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۷، شماره ۳، ص. ۱۸۲-۱۶۰.
۷. بیات، جلیل، (۱۳۸۸)، «بررسی منافع ژئواستراتژیک ایالات متحده در دریای خزر»، **فصلنامه آران**، سال هفتم، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان، ص. ۲۳-۱.
۸. بیات، فرهاد (۱۳۸۳)، دیدگاه‌های حیدر علی اف نسبت به جمهوری اسلامی ایران، باکو، سفارت جمهوری اسلامی ایران.
۹. بهشتی پور، حسین (۱۳۹۱)، «مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان»، قابل دسترسی در <http://beheshtipour.blogfa.com/post-46.aspx>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۵/۱۸)
۱۰. جوادی ارجمند، محمد جعفر و حبیب رضازاده (۱۳۹۰)، «آسیب شناسی مواضع ج.ا.ا نسبت به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از منظر ساختار-کارگزار»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۲، ص. ۸۹-۱۰۶.
۱۱. چیچک، عبدالقادر بهادر (۱۳۷۴)، «همکاری اقتصادی در منطقه یک دیدگاه سیاسی»، ترجمه علیرضا سنجابی، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، بهار ۱۳۷۴، شماره ۸، ص. ۱۶۰-۱۴۹.
۱۲. **روزنامه رسالت**، ۱ خرداد ۱۳۷۶.
۱۳. رویدادهای کشورهای مستقل مشترک المنافع، گاهشمار (۱۳۸۴)، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۵۰، تابستان.
۱۴. رویدادهای آسیای مرکزی و قفقاز، (گاهشمار)، (۱۳۷۳)، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۷، زمستان.
۱۵. زرگری، هادی، (۱۳۸۷)، «رژیم حقوقی دریای مازندران و تأثیر آن بر امنیت ایران»، **اطلاعات سیاسی، اقتصادی**، شماره ۲۵۸-۲۵۷، سال ۲۳، شماره ۶ و ۵ بهمن و اسفند، ص. ۸۷-۶۵.

۱۶. زرگری، هادی و حبیب رضازاده (۱۳۹۰)، «تضاد منافع ایران و آمریکا در آذربایجان»، **دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا**، شماره ۳۲، ص. ۳۶-۳۰.
۱۷. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، «سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال ششم، شماره اول، بهار، ص. ۱۱۸-۱۳۹.
۱۸. سجادی‌پور، سید کاظم، (۱۳۷۷)، «رفتار سیاسی آمریکا نسبت به روابط ایران با کشورهای حوزه خزر»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، بهار ۱۳۷۷، شماره ۲۱، ص. ۸۰-۷۵.
۱۹. شیرازی ابوالحسن و محمدرضا مجیدی، (۱۳۸۳)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، تهران: قومس.
۲۰. عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، «ایران و کشورهای قفقاز جنوبی»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار و تابستان، ص. ۱۳۶-۱۱۹.
۲۱. کولایی، الهه (۱۳۸۹) «۱»، «قفقاز جنوبی و ج.ا.ایران نگاهی دیگر»، **چهل و سومین نشست تخصصی**، نهم آبان ماه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۲. کولایی، الهه (۱۳۸۹) «۲»، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال ششم، شماره اول، ص. ۱۱۱-۷۵.
۲۳. کولایی، الهه (۱۳۸۹) «۳»، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، چاپ دوم، تهران: سمت.
۲۴. کولایی، الهه و قاسم اصولی (۱۳۹۱)، «چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص. ۹۴-۷۵.
۲۵. نصیرزاد، مهران و میرعبدالله حسینی (۱۳۹۱)، «ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های تجاری دوجانبه ایران با جمهوری آذربایجان»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال پنجم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان، ص. ۱۳۴-۱۱۵.
۲۶. مالی شووا، دنیا (۱۳۸۱)، «رقابت چندجانبه در دریای خزر»، ترجمه بهرام امیر احمدیان، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۳۹، ص. ۱۱۸-۱۰۱.

ب) انگلیسی

1. Abedin, Mahan, (2004), "Iran At Sea over Azerbaijan", **Asia Tims** At: [Http://www.atimes.com/atimes/middle-east/FI28AKOL.html](http://www.atimes.com/atimes/middle-east/FI28AKOL.html), (Accessed on: 28/09/2004).
2. Afrasiabi, Kaveh, (2009), "Iran's Foreign Policy After 11 September", <http://www.bjwa.org/article.php?id=45119jzfehgt51875Or7AxHDQLaFNK04re6xsJ7Y>, (Accessed on: 15/ 02/ 2009)

3. Allnutt, Luke, (2002), "Iran/Azerbaijan: Faith, Oil, And Power Threaten Historic Brotherhood, **Eurasia Net**", Available at <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/pp123007.shtml>, (Accessed on: 15/03/2008).
4. Aras, Bulent, (1998), Post-Cold War Realities: Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia, **Middle East Policy**, January 1998, Vol. 5, No. 4.
5. Athanasiadis, Lason (2009); " **Foreign Plots and Cockroaches in Iran**", Asia Times, http://.atimes.com/atimes/Middle_East/HF08Ak02.html, (Accessed on: 08/06/2006).
6. Anirova, K., (2009), "Second Summit of Head of Parliaments of Turkic Speaking States to be Held in Baku in Autumn", 15/04/2009, **Trend News**
7. **Azeri Report**, (2011), "Wiki Leaks: Islamic Radicalism In Azerbaijan", http://azerireport.com/index.php?option=com_content&task=view&id=2949&Itemid=43, (Accessed on: 11/09/2012).
8. Bayulgen, Oksan (2009), "Caspian Energy Wealth Social Impacts and Implications for Regional Stability" In: A. E. Wooden, & C. H. Stefes, **The Politics of Transition in Central Asia and the Caucasus**, London: Routledge.
9. **BBC**, http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/12/111210_l23_iran_azarbayjan_iri_b_depooort_sahar_tv.shtml, (Accessed on: 11/12/2011).
10. **Belfercenter** (2012), "Azerbaijan -Iran Relations: Challenges and Prospects (Event Summary)", http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/12750/azerbaijan_iran_relations.html, (Accessed on: 19/08/2012).
11. BP (2008), "Statistical Review of World Energy", **Year Book**, London: British Petroleum Publications.
12. Cagaptay, Soner & Alexandr Murinson (2005), Good Relation between Azerbaijan and Israel: A Model for Other Muslim States in Eurasia? **The Washington Institute for Near East Policy**, 30 March 2005. <http://www.washingtoninstitute.org/templateC05.php?CID=2287>, (Accessed on: 12/07/2012).
13. Cornell, Svante E, (2006), "The Politicization of Islam in Azerbaijan", **Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program -A Joint Transatlantic Research and Policy Center**, October 2006, p.42.
14. **CRIA**, (2009), Israel and Azerbaijan: Baku's Balancing Act (2009), CRIA, 02 February, <http://cria-online.org/CU-file-article-sid-21.html>, (Accessed on: 18/08/2012).
15. Dekmejian, R. Hrair & Hovann H. Simonian (2003), **Troubled Waters the Geopolitics of the Caspian Region**, London: I. B. Tauris & Co. Ltd
16. Devlet, Nadir, (2012), "Turkey and Greater Azerbaijan: A Card to Play?", <http://www.scribd.com/doc/100927290/Turkey-and-Greater-Azerbaijan-A-Card-to-Play>, (Accessed on: 21/08/2012).
17. **Europe Report**, (2012), "Azerbaijan: Independent Islam and the State"(2012), Europe Report, No.191 - 25 March, p.8
18. **Export**, (2006), Azerbaijan: Israeli Companies Demonstrate Advanced Agricultural Technologies, The Israeli Export & International Cooperation

- Institute, 01March 2006.
http://www.export.gov.il/Eng/_Articles/Article.asp?CategoryID=399&ArticleID=3059, (Accessed on: 05/08/2012).
19. **Foreignpolicy**, http://www.foreignpolicy.com/articles/2012/03/28/israel_s_secret_staging_ground?page=full&wp_login_redirect=0, (Accessed on: 28/03/2012).
 20. Freedman, Robert O(2000), "**Russian-Iranian Relations In The 1990s**". Journal, June 2000, Vol.4, No.2, <http://meria.idc.ac.il/journal/2000/issue2/jv4n2a5.html>, pp. 1-40
 21. Frenkel, Sheera (8July 2012), Israel's new ties to Azerbaijan worry neighboring Iran, <http://www.thestate.com/2012/04/25/2250358/israels-new-ties-to-azerbaijan.html>, (Accessed on: 08/07/2012).
 22. Frenkel, Sheera, (2012), what's the Israel-Azerbaijan connection? **McClatchy Newspapers** / April 26
 23. Gilles, Riox, (2008), "The Formative Years Of Azerbaijan Natationalism in Post-Revolutionary Iran", **Central Asian Survey**, march 2008, Vol.27, No.1, pp.45-58.
 24. Goble, Paul, (2012), "Secular State is 'Azerbaijanis' Choice", May 2012, Vol. V, No. 10, http://ada.edu.az/biweekly/issues/vo_25/5/1391, p.110. (Accessed on: 11/07/2012).
 25. Gresh, Geoffrey, (2006), "Coddling the Caucasus: Iran's Strategic Relationship with Azerbaijan and Armenia" **Caucasian Review of International Affairs**, Winter 2006, Vol. 1(1) , CRIA
 26. *Geybullayeva, Arzu, (2012), "Is Azerbaijan Becoming a Hub of Radical Islam?", Turkish Policy Quarterly, Vol. 6, N. 2, pp. 109-116*
 27. Goble, Paul, (2012), "Secular State is 'Azerbaijanis' Choice", May 2012, Vol. V, No. 10, <http://ada.edu.az/biweekly/issues/vol5no10/20120601083249769.html>, 25/5/1391, p.110. (Accessed on: 11/07/2012).
 28. **Gunaskam**, (2012), "Human Rights Violations in South Azerbaijan, http://www.gunaskam.com/eng/index.php?option=com_content&task=view&id=92&Itemid=47, (Accessed on: 03/07/2012).
 29. Koolae, Elaheh and Mohammad Hossein Hafezian (2010), "The Islamic of Iran and the South Caucasus Republics", **Iranian Studies**, Vol. 43, No. 3. pp. 391 - 409.
 30. Kotecha, Hema, (2006), "Islamic and Ethnic Identities in Azerbaijan: Emerging trends and tensions", (OSEC) Office in Baku, July, pp.26-29
 31. Kucera, Joshua, (2012), What do the US and Israel Have to Gain by Strengthening Azerbaijan's Naval Capacities in the Caspian Sea?", 11 June 2012, <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2012/06/2012610105434101130.html>, (Accessed on: 13/08/2012).
 32. Martirosyan, Tigran, (2009):" **Iran in the Caucasus: Keeping Balance in Volatility**", http://www.caucasus.dk/publication_14.html. (Accessed on 6/5/2009).
 33. Mohammadi, Taher Shir, (2012), "Azerbaijan Feels Badgered by Its Islamic-led neighbor", <http://www.dw.de/dw/article/0,,16006008,00.html>, (Accessed on: 07/09/2012).

34. **Murinson, Alexander, (2010) Iran Targets Azerbaijan, BESA Center Perspectives Paper, No. 110, June 23, 2010,** <http://www.biu.ac.il/SOC/besa/perspectives110.html>, (Accessed on: 02/08/2012).
35. Nassibu, Nasib, (2012), "Azerbaijan Iranian Relation: Past and Present", **Journal of Azerbaijan Studies**, p.6. dspace.khazar.org/jspui/bitstream/123456789/.../N.%20Nasibli.pdf, (Accessed on: 28/08/2012).
36. Nuriyev, Elkhan, (2012), "Azerbaijan: the Geopolitical Conundrum", <http://www.opendemocracy.net/od-russia/elkhan-nuriyev/azerbaijan-geopolitical-conundrum> (14 June 2012), (Accessed on: 12/10/2012).
37. PRESSTV, (2012), Baku Hub for Israelis Spying on Iran: Report, <http://presstv.com/detail/226350.html> , (Accessed on: 12/02/2012).
38. Segall, Michael, (May/12/2013), Iran Fears Growing Israel- Azerbaijan Cooperation, **the Middle East**. Vol.13, No. 12
39. Shaffer, Brenda, (2005), "From Pipedream to Pipeline: A Caspian Success Story", **Current History**, Vol.104, No. 684, pp.343-346.
40. Soleymani, Afshar, (2011), "What Is the Significance of Azerbaijan for Israel?", 8 Wednesday June 2011 , <http://www.irdiplomacy.ir/en/news/68/bodyView/13568/Baku,Tel.Aviv,.and.Iranian.Concerns.html>, (Accessed on: 16/07/2012).
41. Sosinsky-Semikhat, Yuri, (2012), Azerbaijan and Israel Work against Iran [http://english.pravda.ru/hotspots/conflicts/10-05-2012/121072 -azerbaijan_israel_iran-0/](http://english.pravda.ru/hotspots/conflicts/10-05-2012/121072-azerbaijan_israel_iran-0/), (Accessed on: 11/09/2012).
42. **TODAY'S ZAMAN**, (23April 2012), Lieberman Visits Azerbaijan on 20th Anniversary of Diplomatic relations,http://www.todayszaman.com/newsDetail_getNewsById.action?load=detail&newsId=278381&link=278381, (Accessed on: 20/06/2014).
43. **USAK** (Uluslararası Stratejik Araştırmalar Kurumu) , Relation Between Azerbaijan and Israeli, <http://www.usak.org.tr/EN/myazdir.asp?id=797>, (Accessed on: 13/03/2013).
44. Valiyev, Ali, (2009), Brothers, Neighbors, Rivals, **TOL**, 17 March 2009; (Accessed on: 24/03/2011).
45. Vira, Varun & Erin Fitzgerald & Brandon Fite, (2012), The United States and Iran: Competition involving Turkey and the South Caucasus, **(CSIS) Center for Strategic International Studies**.
46. Yunus, Arif, (2006), "Azerbaijan - Between America and Iran ", **Russia in Global Affairs**, July-September 2006, Vol. 4. No.2.